

واکاوی نقش روایت در طراحی نمایشگاه‌های جهانی و ارائه الگوی پیشنهادی برای پاوون ایران در اکسپو ۲۰۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵

کد مقاله: ۵۶۸۳۹

فاطمه توسلی کجانی^{۱*}، رامتین مرتضی^۲،

سمیرا منصوری رودکلی^۳

چکیده

نمایشگاه‌های جهانی (اکسپو) به‌عنوان رویدادهایی با قدمت تاریخی، بستری بی‌بدیل برای تبادل فرهنگی و معرفی هویت ملی کشورها از طریق هنر و معماری فراهم می‌آورند. معماری پاوون‌ها در این رویدادها، نه صرفاً یک سازه موقت، بلکه آیینه‌ای از ارزش‌ها، پیشرفت‌ها و هویت فرهنگی ملت میزبان است. این پژوهش، با تأکید بر آزادی عمل ناشی از موقتی بودن سازه‌های اکسپو، به واکاوی نقش حیاتی «روایتگری بصری» در طراحی پاوون‌ها می‌پردازد؛ زبانی بین‌المللی که توانایی انتقال مفاهیم عمیق فرهنگی را فراتر از موانع زبانی دارد. هدف اصلی مقاله، ارائه یک الگوی پیشنهادی هویتی برای پاوون ایران در اکسپو ۲۰۳۰ است. در این راستا، «شاهنامه فردوسی» به‌عنوان یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های ادبی و حماسه‌ی ملی ایران، به‌عنوان منبع اصلی روایتگری بصری برگزیده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بهره‌گیری استراتژیک از شخصیت‌های اسطوره‌ای، داستان‌ها و مفاهیم ارزشی شاهنامه در طراحی و فضای معماری پاوون، پتانسیل بالایی برای نمایش چهره‌ای اصیل، معرفی عمیق زبان و فرهنگ ایرانی به جهانیان و تقویت جایگاه ایران در جامعه بین‌المللی دارد. الگوی پیشنهادی بر معماری‌ای تأکید می‌کند که با تبدیل روایت‌های ادبی به فضاهای ملموس و قابل درک، پلی قدرتمند برای گفتگوی فرهنگی و نمایشی ماندگار از هویت ایرانی باشد.

واژگان کلیدی: نمایشگاه جهانی، اکسپو، پاوون / غرفه، داستان ایرانی، شاهنامه فردوسی، روایت گری، روایت گری در معماری

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) fatmhtwsly16@gmail.com

۲- استادیار و عضو هیئت علمی، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

۳- استادیار، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

۱- مقدمه

نمایشگاه‌های جهانی، یا اکسپوها، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادهای بین‌المللی هستند که ریشه در قرن نوزدهم دارند و به‌عنوان محلی برای نمایش عمومی پیشرفت‌های علمی، فناوری، اقتصادی و فرهنگی ملت‌ها عمل می‌کنند. این رویدادهای دوره‌ای، که بستر تعامل دولت‌ها، شرکت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی را فراهم می‌آورند، نقش کلیدی در شکل‌دهی به آینده جهانی، تقویت دیپلماسی و ترویج همکاری‌های بین‌المللی ایفا می‌کنند. هدف اصلی اکسپوها، فراتر از مبادلات تجاری، ایجاد محیطی فرهنگی و اجتماعی برای انتقال آموزه‌هایی است که به ارتقای تمدن بشری و پیشرفت ملل مختلف کمک می‌کند. یکی از وجوه متمایز و چالش‌برانگیز اکسپوها، موقتی بودن سازه‌های معماری آن‌هاست. این ویژگی، فرصتی استثنایی را برای معماران فراهم می‌آورد تا بدون محدودیت‌های معمول پایداری درازمدت، به تجربیات نوآورانه و طراحی‌های جسورانه روی آورند. در این کالبد موقتی، معماری نه تنها به‌عنوان ظرفی برای نمایش، بلکه به‌عنوان بازتاب‌دهنده هویت، تاریخ و دستاوردهای فرهنگی یک ملت عمل می‌کند. در واقع، غرفه‌های نمایشگاهی به مثابه بیانیه‌های بصری عمل می‌کنند که می‌توانند غنای فرهنگی و جایگاه کشور میزبان را در عرصه جهانی به نمایش بگذارند. در بستر چندفرهنگی و چندزبانه اکسپو، روایتگری بصری، به‌ویژه در حوزه معماری، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. روایتگری معماری، با بهره‌گیری از عناصر شکلی و فضایی، از محدودیت‌های سواد و موانع زبانی فراتر رفته و امکان انتقال مستقیم و حسی مفاهیم را برای طیف وسیعی از مخاطبان فراهم می‌آورد. این زبان بصری بین‌المللی، ابزاری قدرتمند برای معرفی فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها در سطح جهانی است، زیرا تجربه‌ای ماندگار و بدون نیاز به تفسیر کلامی در ذهن بازدیدکنندگان ایجاد می‌کند. در این راستا، معرفی فرهنگ غنی و تاریخ کهن ایران در رویدادهای بین‌المللی همچون اکسپو، با تکیه بر ظرفیت روایتگری تصویری، ضروری به نظر می‌رسد. این امر به تصحیح تصورات نادرست و ارائه چهره‌ای اصیل از تمدن ایران کمک شایانی خواهد کرد. در میان گنجینه‌های فرهنگی ایران، شاهنامه فردوسی به‌عنوان حماسه ملی و بازتاب‌دهنده جنبه‌های گوناگون تاریخ، فرهنگ و هویت ایرانی، پتانسیلی بی‌نظیر برای تبدیل شدن به محور روایتگری فرهنگی در غرفه‌های اکسپو دارد. شاهنامه می‌تواند به‌عنوان پل گفتگوی فرهنگی، میراث ایرانی را به زبانی جهانی و قابل درک برای ملت‌ها معرفی کند. پژوهش حاضر، با درک اهمیت اکسپوها به‌عنوان پدیده‌های چندوجهی در دنیای معاصر، به دنبال بررسی نقش روایتگری معماری و پتانسیل‌های نهفته در شاهنامه برای ارتقای تأثیرگذاری فرهنگی ایران در نمایشگاه‌های جهانی است. این تحقیق در پی آن است تا به این پرسش کلیدی پاسخ دهد که چگونه می‌توان با به‌کارگیری خلاقانه مضامین و مفاهیم شاهنامه در طراحی معماری غرفه‌ها، پیامی مؤثر و ماندگار از هویت و تمدن ایرانی به جهانیان مخابره کرد. فصل‌های آتی این پژوهش، ابتدا به بیان مسئله، ضرورت و اهمیت موضوع پرداخته، سپس جنبه‌های نوآوری، اهداف، سوالات تحقیق و تعاریف مفهومی را تشریح خواهد کرد تا چارچوبی جامع برای تحلیل و ارائه راهکارهای عملی در این زمینه فراهم شود.

۲- پیشینه چهارچوب نظری

نمایشگاه‌های جهانی، به‌مثابه رویدادهایی با قدمتی بیش از یک قرن، نقشی بنیادین در تحولات تجاری و تبادلات فرهنگی ایفا کرده‌اند. ریشه‌های این نمایشگاه‌ها را می‌توان در بازارهای بزرگ و سازمان‌یافته تاریخی جستجو کرد که در مسیرهای کلیدی تجارت شکل می‌گرفتند و به رونق اقتصادی و فرهنگی مناطق کمک شایانی می‌کردند (میرظفرجوبان، ۱۳۹۴، ص ۲). مفهوم نمایشگاه به شکل مدرن امروزی، تکاملی تدریجی از همین بازارهای کهن است که سیر تحول خود را از بازارهای مکاره آغاز کرده و با وجود تغییرات ظاهری، ماهیت اصلی خود را در طول تاریخ حفظ نموده است (عباسی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۲). در ایران نیز، گرچه بازارهای مکاره و محلی برای تبادل کالا و خدمات همواره رایج بوده است، اما این ساختارها تفاوت چشمگیری با نمایشگاه‌های مدرن امروزی داشته‌اند. با استقرار حکومت‌های متمرکز در دوران هخامنشیان و ساسانیان و متعاقب آن، تدوین قوانین اداری و مالیاتی، نمایشگاه‌ها در ایران شکلی رسمی‌تر به خود گرفتند. در دوره صفویه، بازارچه‌ای با کارکرد نمایشگاهی در اصفهان بنا شد و در دوران قاجار، عباس میرزا نمایشگاه مهمی در تبریز برپا کرد که در آن علاوه بر محصولات داخلی، کالاهای بازرگانان عثمانی و شوروی نیز به نمایش گذاشته شد. نقطه عطف مهمی در تاریخچه تعامل ایران با نمایشگاه‌های جهانی، پس از بازدید ناصرالدین شاه از نمایشگاه وین در سال ۱۲۴۸ خورشیدی رقم خورد. وی با الهام از این رویداد، دستور به ایجاد مکانی ثابت برای برگزاری نمایشگاه‌ها در ایران داد. نخستین حضور رسمی ایران در عرصه نمایشگاه‌های بین‌المللی به سال ۱۲۳۰ هجری قمری (۱۸۵۱ میلادی) و نمایشگاه کریستال پالاس لندن، در زمان صدارت امیرکبیر، بازمی‌گردد. از آن تاریخ تاکنون، ایران در مجموع شانزده دوره از نمایشگاه‌های جهانی اکسپو شرکت نموده است (سیجانی و جزی، ۱۳۹۶، ص ۵). تحقیقات متعددی توسط پژوهشگران در خصوص نمایشگاه‌های جهانی اکسپو صورت گرفته است که گستره وسیعی از جنبه‌های تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و معماری این رویدادها را پوشش می‌دهد. این پژوهش با بررسی پیشینه تحقیقات پیشین، در پی آن است تا با نگاهی نو به موضوع طراحی پایوبون ایران در اکسپو ۲۰۳۰، از منظر حماسه شاهنامه، به غنای دانش موجود بیفزاید. حضور ایران در نمایشگاه‌های جهانی

(اکسپوها) سابقه‌ای طولانی دارد و همواره فرصتی برای نمایش هویت فرهنگی، معماری و دستاوردهای ملی بوده است. این بخش مروری بر پژوهش‌های مرتبط با این حوزه ارائه می‌دهد:

توسعه پایدار و پویون ایران: پژوهش درستی (۱۴۰۲) الگوی طراحی پویون ایران با رویکرد توسعه پایدار را بررسی کرده و تأکید می‌کند که بهره‌گیری از جذابیت‌های معماری ایرانی، سازگاری فرهنگی و اصول پایداری، در کنار مدیریت دقیق، به موفقیت پویون در جذب مخاطب کمک می‌کند. این مطالعه، مفهوم توسعه پایدار را به عنوان “برآوردن نیازهای امروز بدون آسیب به نسل آینده” تعریف می‌نماید. تاریخچه حضور ایران و نمایش هویت ملی: بانی مسعود (۱۴۰۰) در کتاب خود، تاریخچه حضور ایران را از اکسپو ۱۸۵۱ لندن تا ۲۰۲۰ دبی ردیابی می‌کند. وی معتقد است پویون‌های ایران همواره بستری برای عرضه هنر، معماری و تقویت موقعیت بین‌المللی از طریق تعاملات فرهنگی و اقتصادی بوده‌اند و هر پویون بازتابی از هویت ایرانی و سازگاری با تحولات جهانی است. بازنمایی هویت گرافیک و معماری: مطالعه صدقیان حکاک و رستمی (۱۳۹۹)، غرفه هر کشور را “ویرترین هنر و هویت ملت” دانسته و بر نقش تلفیق معماری و طراحی گرافیک در معرفی جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد. آن‌ها مؤلفه‌های هویتی ایران را با تکیه بر نشانه‌شناسی اکو و نظریه ونتوری، نمادی از اصالت و پتانسیل تعامل فرهنگی بازنمایی می‌کنند.

عوامل کلیدی در طراحی پویون: سلطان آذر و اخلاصی (۱۳۹۷) بر اهمیت فناوری‌های مدرن، ارتباطات اجتماعی قوی و دیجیتال در انتقال پیام‌های فرهنگی و ملی و تسهیل تعاملات با بازدیدکنندگان تأکید دارند. هدف، بازتاب شایسته فرهنگ ایرانی و ایجاد پلی برای ارتباطات بین‌المللی پایدار است.

تلفیق سنت و مدرنیته: زتوفی (۱۳۹۷)، رویکرد معماری ایرانی-اسلامی در اکسپو ۲۰۲۰ دبی را واجد اهداف اقتصادی (تقویت صادرات) و فرهنگی دانسته و آن را پلی میان سنت و مدرنیته معرفی می‌کند.

شیراوند و ملاصالحی (۱۳۹۷) در تحلیل اکسپو ۲۰۱۵ میلان، ترکیب معماری اصیل ایرانی-اسلامی با نوآوری‌های معاصر را عامل نمایش جذابیت‌های فرهنگی و هنری و تقویت روابط بین‌المللی ارزیابی کرده و بر اهمیت تلفیق سنت و نوآوری صحه می‌گذارند.

شفیع خانی و اختر کاوان (۱۳۹۴) نیز اکسپو ۲۰۲۰ دبی را ویرترینی برای هویت معماری ایران معرفی کرده و بر نقش تلفیق سنت و مدرنیته در انتقال پیام‌های فرهنگی و اجتماعی و تأکید بر غنای تاریخی-فرهنگی کشور تأکید کرده‌اند.

نوآوری، فناوری و دیپلماسی فرهنگی: سیجانی (۱۳۹۶)، مشارکت مداوم ایران در اکسپوها را نشانه تلاش برای همسویی با تکنولوژی‌های مدرن، ارتقاء دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی و بهره‌گیری از فناوری‌های سبز و عناصر هنری معاصر می‌داند.

اکبری (۱۳۹۴)، پویون‌های اکسپو را بستری برای تبادل فرهنگی، تبیین هویت‌ها و ابزاری دیپلماتیک در گفت‌وگوهای جهانی معرفی می‌کند.

مؤلفه‌های فرهنگی و اقلیمی در طراحی: حسینی (۱۳۹۲) رویکرد بیومیمتیک در طراحی پویون ایران در اکسپو ۲۰۱۵ میلان را مورد بررسی قرار داده و بر معرفی فرهنگ اصیل ایرانی و الگوهای اقلیمی تأکید کرده است.

چهرمی (۱۳۹۲) نقش مؤلفه‌های فرهنگ، سنت و هویت را در طراحی پویون ایران در اکسپو ۲۰۱۵ میلان اساسی دانسته و الگوهایی برای نمایش آن‌ها ارائه داده است.

آزادگان (۱۳۹۰) نیز به بررسی تأثیر شاخص‌های مشترک فرهنگی و اجتماعی بر طراحی پویون ایران در اکسپوها پرداخته است.

جنبه‌های تاریخی و سیاسی: زارع‌زاده و رهبرنیا (۱۳۹۴) در بررسی اکسپو ۱۸۵۱ لندن، تعامل هنر و سیاست و ترکیب دستاوردهای صنعتی با اهداف سیاسی را نشان داده‌اند، به طوری که معماری نمایشگاه نمادی از قدرت صنعتی بوده است.

عوامل موفقیت در نمایشگاه‌ها: طاهرپور، کلانتری و میرزفرجیوان (۱۳۸۷)، عوامل موفقیت نمایشگاه‌های تخصصی بین‌المللی را شامل اهداف شفاف، تناسب محصولات، انتخاب فضای مناسب، زمان‌بندی درست و بهره‌وری از زمان دانسته‌اند.

تأثیر نمایشگاه‌ها بر معماری معاصر: سبحانی و اسلامی (۱۳۹۲) نشان دادند که نمایشگاه‌های جهانی از سال ۱۸۵۱ با نمایش نوآوری‌های صنعتی و معماری، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری معماری معاصر، تبادل فرهنگی و تقویت هویت‌های ملی داشته‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که طراحی پویون ایران در نمایشگاه‌های جهانی، همواره تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله تاریخ، فرهنگ، معماری، فناوری، دیپلماسی و نیاز به نمایش هویت ملی در سطح بین‌المللی بوده است.

۳- چهارچوب نظری

این پژوهش در چارچوب نظری تلفیقی خود، بر سه رکن بنیادین استوار است که هر یک به تبیین جنبه‌ای از طراحی پویون ایران در بستر نمایشگاه‌های جهانی (اکسپو) با محوریت شاهنامه می‌پردازد: معماری نمایشگاهی، نظریه معماری روایی، و چارچوب اساطیری-نمادین.

نظریه معماری نمایشگاهی: کارکرد موقت و دیپلماسی فضایی

معماری اکسپو فراتر از سازه‌های سنتی است و در زیرمجموعه معماری رویدادمحور قرار می‌گیرد. این رویکرد مبتنی بر مفاهیم زیر است:

ساختوساز موقت: بر خلاف معماری پایدار، سازه‌های اکسپو ماهیت زودگذر دارند. این امر معمار را ملزم می‌سازد تا با تمرکز بر تأثیر لحظه‌ای و ظرفیت بیانی بالا، از فرم‌های نمادین و سازه‌های نوآورانه استفاده کند که پیام مورد نظر را سریعاً منتقل سازد. دیپلماسی بصری: پویون‌های ملی در اکسپو به عنوان ابزارهای غیرکلامی برای نمایش قدرت، فرهنگ و چشم‌انداز آینده یک کشور عمل می‌کنند. این فضاها باید به عنوان رسانه‌هایی فیزیکی طراحی شوند که هویت ملی را در قالب مفاهیم جهانی ترجمه کنند.

معماری روایی برای انتقال پیچیدگی‌های فرهنگی و اساطیری، رویکرد معماری روایی (به عنوان زیرشاخه‌ای از پدیدارشناسی فضا) اتخاذ می‌شود. این نظریه بیان می‌کند که فضا باید به گونه‌ای طراحی شود که یک داستان را در طول مسیر بازدید تعریف کند.

توالی فضایی و روایتگری: بر اساس اصول روایت‌شناسی، هر فضا (خوان) باید نقطه عطفی را در داستان ارائه دهد و بازدیدکننده را به سوی نقطه اوج هدایت کند. نورپردازی، مصالح و ابعاد فضایی باید در خدمت این روایت باشند تا یک تجربه تجمیعی از داستان هفت‌خوان ایجاد شود. نمادگرایی و کدگشایی: در محیطی چندفرهنگی مانند اکسپو، استفاده از نمادهای آشکار اساطیری (مانند نمادهای هفت‌خوان) مؤثرتر از توصیف صرف است. معماری باید این نمادها را به کدهای بصری ترجمه کند که قابلیت خوانش جهانی داشته باشند.

شاهنامه به عنوان مدل ساختاری و محتوایی به عنوان بخش محتوایی و ساختاری طراحی، مستقیماً از ساختار و محتوای حماسی شاهنامه فردوسی استخراج می‌شود.

الگوی هفت‌خوان: هفت‌خوان رستم، یک الگوی سازمانی کلاسیک برای نظم‌دهی به محتواست. این الگو ساختاری سلسله‌مراتبی و متوالی فراهم می‌کند که می‌تواند به هفت بخش متمایز از دستاوردهای ایران (تکنولوژی، هنر، محیط زیست و...) تخصیص یابد و بدین ترتیب، مسیر بازدید را به یک سفر قهرمانانه در مسیر پیشرفت ایران تبدیل نماید.

بازخوانی اسطوره‌ای برای افق ۲۰۳۰: این رویکرد نیازمند ترجمه مفاهیم اساطیری به مسائل و راهکارهای مدرن است. به عنوان مثال، نبرد با دیوان می‌تواند به چالش‌های جهانی (مانند تغییرات اقلیمی یا نابرابری) تعبیر شود، و پیروزی رستم نماد توانمندی ایران در حل این چالش‌ها تا سال ۲۰۳۰ باشد. تأثیر شاهنامه فردوسی بر معماری پژوهش‌های متعددی در زمینه ارتباط ادبیات و شعر با معماری در ایران و جهان صورت گرفته است. در این میان، شاهنامه فردوسی به دلیل غنای اساطیری و جایگاه محوری در ادبیات ایران، منبع مهمی برای الهام‌بخشی در طراحی معماری محسوب می‌شود:

استخراج عناصر معماری از متن شاهنامه: سلطان زاده (کتاب "معماری و شهر سازی ایران به روایت شاهنامه"): این اثر، با گزینش ابیات مرتبط، به تعریف عناصر و ویژگی‌های معماری و شهرسازی ایران از دوران آغاز تمدن نژاد ایرانی تا پایان ساسانیان بر اساس روایت‌های شاهنامه پرداخته است.

مفاهیم و نمادهای شاهنامه در طراحی: ممانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد): این تحقیق بر الگوی آرامگاه فردوسی متمرکز بود و نتایج آن نشان داد که مضامین کلیدی شاهنامه مانند عدالت، جاودانگی و شکوه می‌توانند وارد کالبد معماری شوند. همچنین، استفاده از نمادهای عددی اساطیری (مانند عدد ۷ یا هفت خوان) و شخصیت‌ها (مانند رستم) در طراحی عناصر فضایی پیشنهاد شده است.

توجهات اسطوره‌شناسی و زیبایی‌شناسی: تحقیقات دکتر مهرداد بهار در زمینه اساطیر ایران، اگرچه مستقیماً بر معماری متمرکز نیست، اما زمینه‌ساز درک عمیق‌تر معماری اساطیری ایران است.

ورمقانی (پایان‌نامه): به بررسی طراحی معماری بر اساس تقابل خیر و شر در شاهنامه، با مطالعه موردی فرهنگستان زبان و ادب فارسی پرداخته است.

قراگوزلو: تحقیقات او بر زیبایی‌شناسی هنر از شعر به معماری تمرکز دارد و نشان می‌دهد که در پروژه‌های فرهنگی، تلاش بر تجلی عناصر هویت ملی و فرهنگی در کالبد بنا است.

نمونه‌های موردی تجلی ادبیات در معماری: پروژه‌های داخلی: نمونه‌های موفقی در ایران مانند فرهنگسرای نیاوران، مرکز همایش‌های فرهنگستان هنر، ساختمان صبا، و مجموعه فرهنگستان‌های ایران نشان‌دهنده تلاش برای استفاده از ترکیب عناصر بومی و نو برای القای اهمیت هویتی و یادمانی بنا هستند. در موزه ایران باستان نیز از عناصر معماری متأثر از تاریخ و هویت ملی استفاده شده است. نمونه‌های بین‌المللی: پروژه پیتز آیزنمن که داستان "رومئو و ژولیت" شکسپیر را وارد معماری کرده است، یا مرکز هنرهای سئول که جایگاه حضار را به شکل انسان در حال تفکر (نمادی از فرهنگ کره‌ای) طراحی کرده، نمونه‌های موفقی از ورود ادبیات و اسطوره به عرصه معماری محسوب می‌شوند.

ادبیات و معماری، با وجود تفاوت‌های بنیادین در مدیوم بیان، از ارتباطی عمیق و چندوجهی برخوردارند که فراتر از یک هم‌نشینی ساده فرهنگی عمل می‌کند. ادبیات، به عنوان یکی از ارکان اصلی تمدن و فرهنگ، تأثیری گسترده بر کالبد فضاهای ساخته‌شده می‌گذارد. این پیوند ریشه‌ای در دو سطح اصلی قابل تحلیل است: نخست، الهام‌بخشی مفهومی و زیبایی‌شناختی که در آن ادبیات به منبع اصلی شکل‌دهی به فضاهای معنادار و ذاتاً روایتگر تبدیل می‌شود؛ و دوم، انتقال معنا و روایت در فضا، جایی که معماری بستری فیزیکی برای تجسم ساختارهای روایی ادبی فراهم می‌آورد و ادبیات به ابزاری برای انتقال داستان‌ها، احساسات و مضامین به درون کالبد معمارانه بدل می‌گردد (Pelletier, 1997 & Pérez-Gómez). این تعامل دوسویه، زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که در آن معماری قادر به داستان‌گویی می‌شود و ادبیات به مرجعی برای شکل‌دهی به تجربه فضایی تبدیل می‌گردد.

از دل این پیوند، رویکرد «معماری روایی» پدیدار می‌شود. این رویکرد، طراحی را از قلمرو صرفاً عملکردی فراتر برده و فضاها را تجهیز می‌کند تا داستان‌ها، ایده‌ها و تجربیات را به شکلی ضمنی یا آشکار برای مخاطب روایت کنند و معماری را به رسانه‌ای مؤثر برای برقراری ارتباط عاطفی با کاربر تبدیل سازند (Rochberg-Halton, 1981 & Csikszentmihalyi). بیان داستان‌ها از طریق فضا، معماری را قادر می‌سازد تا ساختارهای روایی ادبی را به تصویر بکشد؛ برای مثال، باغ‌های ایرانی که در شعر کلاسیک فارسی مکرراً توصیف شده‌اند، نمونه‌های بارزی هستند که مستقیماً تحت تأثیر مضامین شعری شکل گرفته و به فضاهایی برای تأمل عمیق تبدیل شده‌اند (Hillier, 1996). علاوه بر این، تأثیر ادبیات بر معماری در سطح الهام‌گیری مستقیم از شخصیت‌ها و روایت‌های ادبی نیز نمود می‌یابد، امری که عمق معنایی بیشتری به طراحی می‌بخشد و ارتباط عاطفی قوی‌تری با مخاطب برقرار می‌کند (Bachelard, 1994). معماران می‌توانند با ارجاع صریح به روایت‌های مشهور، فضاهایی خلق کنند که بازتاب‌دهنده یا تداعی‌کننده آن داستان‌ها باشند؛ این رویکرد در طراحی فضاهای هنری و فرهنگی مشهود است و حتی برخی آثار معماری مدرن نیز به طور صریح به عناصری از آثار نویسندگان بزرگ ارجاع می‌دهند (Leatherbarrow, 2000). تأثیرپذیری‌ها محدود به محتوا نیست؛ رویدادها و تاریخ ادبیات نیز بر طراحی فضا اثرگذار بوده‌اند؛ از تأثیر جشنواره‌های ادبی بر سازه‌های موقت مانند غرفه‌های نمایشگاهی (Augé, 1995) تا نفوذ احیای ادبیات کلاسیک یونان و روم در دوران رنسانس که مستقیماً بر احیای اصول زیبایی‌شناختی کلاسیک در معماری تأثیر گذاشت.

در نهایت، معماری مبتنی بر ادبیات به عنوان یک رویکرد طراحی تثبیت می‌شود؛ رویکردی که در آن، مفاهیم و ساختارهای روایی آثار ادبی به عنوان مبنای اصلی شکل‌دهی فضا به کار گرفته می‌شوند. هدف این رویکرد فراتر رفتن از تزئینات صرف و ایجاد فضاهایی است که درکی عمیق از روایت و شخصیت‌های ادبی را برای مخاطب فراهم کند و تجربه‌ای چندلایه از ادغام جنبه‌های زیبایی‌شناختی، عملکردی و روایی خلق نماید (Leatherbarrow, 2000). این امر مستلزم به‌کارگیری متون ادبی به عنوان چارچوبی بنیادین برای شکل‌دهی به تجربه مخاطب است، نه صرفاً تکرار صحنه‌های داستانی، تا فضاهایی با عمق معنایی و پتانسیل روایی غنی خلق شوند (Bachelard, 1994). برای تحقق این امر، کاربری دقیق عناصر حسی ضروری است تا تجربه درونی مخاطب تحریک شود؛ عواملی چون نورپردازی تأمل‌برانگیز (Heschong, 1979)، مدیریت صوت، فرم، مصالح طبیعی (Zumthor, 2006) و نمادگرایی معنوی (Eliade, 1959) در خدمت روایت قرار گیرند (Mallgrave, 2009). این اصول، به ویژه در طراحی پل‌های ملی در رویدادهایی مانند اکسپو، اهمیت استراتژیک می‌یابد. پل‌های ملی باید به عنوان ابزاری هنری برای معرفی هویت، با رعایت انسجام طرح، اصالت و نمایش چندوجهی از توانمندی‌های کشور، به اهداف فرهنگی و دیپلماتیک خدمت کند. این امر مستلزم آن است که فضا، داستانی منسجم و خاطره‌انگیز را از طریق ترکیب هوشمندانه ادبیات، هویت و عناصر حسی روایت نماید؛ به عنوان مثال، چشم‌انداز پیشنهادی برای پل‌های ایران در اکسپو ۲۰۳۰ به بهره‌گیری از اسطوره‌شناسی شاهنامه فردوسی، می‌تواند نمونه‌ای موفق از پیوند بنیادین میان روایت ادبی و تجسم فضایی باشد.

۴- روش شناسی پژوهش

۱. نوع و ماهیت پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد؛ زیرا هدف نهایی آن، ارائه یک طراحی مفهومی برای پل‌های ایران در نمایشگاه جهانی (با تمرکز بر اکسپو ۲۰۳۰ عربستان) بر پایه روایت داستانی از شاهنامه فردوسی است. از نظر ماهیت و روش، تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است و با رویکرد کمی و کیفی (آمیخته) انجام می‌شود. این رویکرد به محقق امکان می‌دهد تا ضمن تحلیل سیستماتیک داده‌ها و نمونه‌های موردی (بخش کیفی)، از طریق ابزارهای آماری (بخش کمی) به نتایج قابل اتکا دست یابد.

۲. روش و ابزار گردآوری اطلاعات: گردآوری اطلاعات در این پژوهش به دو شیوه اصلی انجام شده است: روش کتابخانه‌ای و اسنادی: این مرحله شامل بررسی و مطالعه انتقادی منابع دست اول و دوم شامل کتب مرجع (مانند آثار امیر بانی مسعود، ندا اکبری و علیرضا بهرامی)، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، اسناد تصویری و استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی و وبسایت‌های اینترنتی معتبر است. این بخش مبانی نظری لازم در حوزه‌های نمایشگاه‌های جهانی، روایت‌گری معماری و فرهنگ ایرانی را فراهم آورده است.

روش میدانی (مصاحبه و پرسشنامه): برای تکمیل داده‌های نظری، از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است. مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با متخصصان ادبیات (به تعداد ۵ نفر) برای شناسایی فاکتورهای اصلی روایتگری شاهنامه انجام شده و سپس، پرسشنامه‌ای جامع از متخصصان معماری (به تعداد ۲۰ نفر) توزیع شده تا دیدگاه‌های تخصصی آن‌ها در خصوص طراحی پلویون با تمرکز بر این روایت داستانی جمع‌آوری شود.

۳. جامعه و حجم نمونه آماری: جامعه آماری پژوهش شامل تمامی افراد متخصص مرتبط با موضوع، از جمله تحصیل کرده‌ها، کارآفرینان، صنعتگران، مهندسان مشاور و به‌ویژه متخصصان معماری و ادبیات، با تمرکز بر کسانی است که امکان شرکت در اکسپو ۲۰۳۰ را دارند. حجم نمونه این تحقیق به صورت هدفمند انتخاب شده است. حجم نمونه شامل ۵ نفر متخصص در حوزه ادبیات برای مصاحبه و ۲۰ نفر متخصص در حوزه معماری برای توزیع پرسشنامه است. این انتخاب هدفمند با هدف دستیابی به دیدگاه‌های تخصصی و ارزشمند در خصوص چالش‌ها و فرصت‌های طراحی پلویون ایران با محوریت شاهنامه صورت گرفته است.

۵- یافته‌های پژوهش

مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با شش نفر از متخصصان برجسته در حوزه ادبیات فارسی با هدف استخراج مفاهیم، حواس و عواطف کلیدی نهفته در روایت «هفت خان رستم» انجام پذیرفت. نتایج حاصل از این تحلیل، راهنمای اصلی برای ترجمه مفاهیم ادبی به فرم‌های معماری در طراحی پلویون ایران خواهد بود.

الف) تحلیل طیف عاطفی و مضامین اصلی هفت خان: متخصصان ادبیات، هر یک از هفت خان را با یک حس یا عاطفه اصلی مرتبط دانسته‌اند. جمع‌بندی پاسخ‌ها نشان‌دهنده یک سیر تحول عاطفی و روایی منسجم در این سفر قهرمانی است که در جدول ۱ خلاصه شده است:

خان رستم	جمع‌بندی حواس اصلی	تحول روایی و مضمونی
خان اول	شجاعت ناگهانی، رویارویی با خطر ناخواسته، غریزه	آغاز سفر و مواجهه با چالش‌های غیرمنتظره و غریزی.
خان دوم	تدبیر، هوشیاری، استقامت و چاره‌جویی	تأکید بر اهمیت عقل و تدبیر در کنار قدرت فیزیکی.
خان سوم	هیجان، مبارزه حماسی و دلیری بی‌حد و حصر، همکاری	نمادی از نبرد حماسی و تکیه بر قدرت ماورایی رخس.
خان چهارم	فریب، مکر و خطر پنهان، غافلگیری و خیانت	چالش‌های ذهنی و غیرفیزیکی؛ آزمونی از هوشیاری در برابر نیرنگ.
خان پنجم	عزم راسخ، پایداری، اراده و جستجوی عدالت	برجسته‌سازی اراده و استقامت در مواجهه با خستگی و دشواری‌های مسیر.
خان ششم	نبرد سنگین، عظمت قدرت و اوج قهرمانی	اوج فیزیکی قدرت رستم و نمایش عظمت نبرد با نیرویی عظیم.
خان هفتم	پیروزی نهایی، نجات، رهایی و رستگاری	سرانجام سفر، تحقق هدف نهایی و نماد پیروزی مطلق.

جمع‌بندی تحلیل: یافته‌ها حاکی از آن است که هفت خان رستم صرفاً مجموعه‌ای از نبردهای فیزیکی نیست، بلکه تبلوری از طیف عواطف انسانی در مواجهه با چالش‌های وجودی است. سیر تحول عاطفی رستم از شجاعت غریزی در خان اول آغاز شده، با تدبیر و هوشیاری در خان دوم ادامه یافته و نهایتاً با عزم و اراده راسخ (خان پنجم) به پیروزی و رستگاری نهایی در خان هفتم ختم می‌شود. این مسیر روایی، الگویی قوی از سفر قهرمان است که می‌تواند بستر طراحی معماری را فراهم آورد. یکی از اهداف اصلی مصاحبه، شناسایی خان‌هایی بود که در آن‌ها، جنبه‌هایی از شخصیت رستم به غیر از قدرت جسمانی (مانند هوش، تدبیر و تعهد) برجسته می‌شوند. نتایج، تمرکز بر دو خان دوم و چهارم را نشان می‌دهد که بر قهرمانی مبتنی بر عقل تأکید می‌کنند:

خان منتخب	تعداد متخصصان	جنبه برجسته شده
خان دوم	۲ نفر	زیرکی، چاره‌جویی، تدبیر و توانایی حل معما.
خان چهارم	۲ نفر	هوشیاری در برابر فریب، هوش و قدرت تشخیص، بصیرت.
خان هفتم	۱ نفر	تعهد و قهرمانی (به عنوان مجموعه‌ای از فضایل).
خان سوم	۱ نفر	دلاوری بی‌باک (جنبه‌ای نزدیک به قدرت).

تحلیل: متخصصان ادبیات بر این باورند که رستم، قهرمانی صرفاً با اتکا به زور بازو نیست؛ بلکه در خان دوم (کشف آب با زیرکی) و خان چهارم (غلبه بر جادوگر با هوشیاری)، عنصر عقل، تدبیر و هوش او به اوج می‌رسد. این یافته نشان می‌دهد که در طراحی پاپیون، نمایش رستم باید فراتر از نماد یک پهلوان، به عنوان نماد فرهنگ و خرد ایرانی نیز در نظر گرفته شود.

د) اهمیت روایی و تأثیرگذاری داستانی خان‌ها

برای تعیین نقاط کانونی داستان در طراحی روایت فضایی، از متخصصان خواسته شد تا برجسته‌ترین خان از نظر تأثیرگذاری روایی را مشخص کنند. یافته‌ها، دو قطب اصلی در روایت را آشکار ساخت:

خان منتخب	تعداد متخصصان	دلیل انتخاب (نکات کلیدی)
خان هفتم	۳ نفر	اوج داستان، نقطه پایانی منطقی سفر و نتیجه‌گیری تمام تلاش‌ها.
خان سوم	۲ نفر	هیجان، نبرد فانتزی و غافلگیری، همچنین نقش حیاتی رخس در روایت.
خان ششم	۱ نفر	نبردی حماسی و دشوار.

تحلیل: از منظر روایی، خان هفتم به دلیل نقش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی بیشترین اهمیت را دارد. در مقابل، خان سوم به دلیل ماهیت فانتزی و پرهیجان (نبرد با اژدها)، توانایی بالایی در ایجاد غافلگیری و جذابیت بصری دارد. این ترکیب، نشانگر لزوم تعادل میان «اوج حماسی» در انتها (خان هفتم) و «نقطه عطف هیجان‌انگیز» در میانه راه (خان سوم) در ساختار پاپیون است.

ه) اوج نمایش قدرت و مهارت‌های جنگی

برای مشخص کردن فضاهایی که باید حس قدرت و عظمت فیزیکی را القا کنند، متخصصان بر دو خان به عنوان اوج رزم‌آوری رستم تأکید کردند:

خان منتخب	تعداد متخصصان	دلیل انتخاب (نکات کلیدی)
خان هفتم	۳ نفر	نبرد با قوی‌ترین دیو (دیو سپید)، نمایش کامل قهرمانی.
خان ششم	۳ نفر	قدرت بدنی محض، نبردی تن به تن و خشن، اوج قدرت رزم.

تحلیل: خان ششم (نبرد تن به تن با ارژنگ/فولادزره) و خان هفتم (غلبه بر دیو سپید)، به صورت مساوی، به عنوان اوج نمایش قدرت بدنی و مهارت‌های رزمی رستم شناخته شده‌اند. این خان‌ها، فضاهایی ایده‌آل برای نمایش مقیاس، عظمت و دینامیک نبردها در طراحی پاپیون هستند و می‌توانند حس قهرمانی بی‌بدیل را به بازدیدکننده منتقل سازند.

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که روایت هفت خان دارای یک پویایی روایی است که از غریزه و شجاعت آغاز شده، به تدبیر و هوشیاری اهمیت می‌دهد و نهایتاً به عزم و رستگاری ختم می‌شود. خان‌های دوم و چهارم بر جنبه هوش و عقل، خان‌های ششم و هفتم بر قدرت فیزیکی و خان‌های سوم و هفتم بر اهمیت روایی و هیجان تمرکز دارند. این یافته‌ها مسیر طراحی را از یک نمایش صرف، به یک تجربه فضایی چندلایه از خرد، قدرت و اراده تبدیل می‌کند.

بررسی‌ها به صورت قاطع نشان داد که خان هفتم (نبرد با دیو سپید) به عنوان نماینده‌ی اصلی و خلاصه‌ی کل سفر هفت‌خوان معرفی می‌شود. این انتخاب بر اساس وزن‌دهی به اوج داستان و تحقق نهایی مأموریت استوار است:

معیار	خان منتخب (تعداد آرا)	محور اصلی تأکید
نماینده اصلی سفر	خان ۷ (۶/۵ رأی)	خلاصه‌ی کل سفر، هدف نهایی، سرانجام داستان، مهم‌ترین پیروزی.
خان ۳	خان ۳ (۶/۱ رأی)	نماد مبارزه‌ی حماسی.

نتیجه‌گیری راهبردی: خان هفتم به دلیل تجمع تمام سختی‌ها و نمایش کامل قهرمانی، بهترین کاندید برای نمایش اوج‌گیری حماسی و هویت کلی پاپیون است.

۲. خان جذاب برای مخاطب عام: برای جذب مخاطب ناآشنا با ادبیات، نیاز به فضاهایی با ویژگی‌های بصری قوی، هیجان و عناصر غیرمنتظره وجود دارد. در این محور، نتایج بر دو خان متمایز تأکید کردند:

خان منتخب (تعداد آرا)	محور اصلی جذابیت
خان ۳ (اژدها) (۶/۳ رأی)	فانتزی، هیجان بالا، تصاویر بصری قوی و نبرد دیدنی.
خان ۴ (جادوگر) (۶/۲ رأی)	عنصر غافلگیری، رمزآلود بودن و داستانی غیرمنتظره.
خان ۱	آغاز قهرمانانه و سریع.

نتیجه‌گیری راهبردی: جهت جلب توجه اولیه و ایجاد تجربه بصری قوی برای عموم بازدیدکنندگان، خان سوم (اژدها) به دلیل عنصر فانتزی بارز و خان چهارم (جادوگر) به دلیل پویایی روایی و غافلگیری، باید در اولویت طراحی فضاهای پرهیجان قرار گیرند.

۳. خان با پیام اخلاقی و فلسفی عمیق
برای انتقال پیام‌های عمیق‌تر به مخاطب امروزی، متخصصان دو خان را دارای بیشترین پتانسیل معنایی دانستند:

خان منتخب (تعداد آرا)	پیام اخلاقی/فلسفی اصلی
خان ۴ (جادوگر) (۶/۳ رأی)	هوشیاری در برابر فریب، تشخیص حقیقت از باطل، شناخت مکر و دشمن پنهان.
خان ۷ (دیو سپید) (۶/۲ رأی)	فداکاری برای دیگران، نجات و امید، تحقق نهایی ایثار.
خان ۵	عزم و استقامت.

نتیجه‌گیری راهبردی: پیام‌های اخلاقی غنی در سفر رستم از دو جهت قابل استخراج است: هوشمندی اخلاقی و بصیرت (خان ۴) و ایثار و نجات‌بخشی (خان ۷). این دو خان می‌توانند به عنوان نقاط عطف محتوایی برای انتقال مفاهیم عمیق فلسفی به کار روند.

نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که طراحی پایون باید بر اساس یک ساختار سلسله‌مراتبی از اولویت‌ها شکل گیرد: خان هفتم به عنوان محور هویتی و اوج روایت، خان سوم و چهارم به عنوان موتور محرک جذب مخاطب عام از طریق هیجان و غافلگیری، و خان چهارم و هفتم به عنوان حاملان پیام‌های عمیق اخلاقی و فلسفی برای تأمل بازدیدکننده.

تحلیل و بررسی پرسش‌نامه‌ی متخصصان معماری

این بخش به بررسی نتایج کمی حاصل از پرسش‌نامه‌ی توزیع شده میان ۲۵ نفر از متخصصان معماری و طراحی می‌پردازد. هدف، استخراج رویکردهای غالب در طراحی فضایی برای بازنمایی هر یک از هفت خان، توالی فضاها و ملاحظات فرهنگی-نمادین بود.

۱. اولویت‌های طراحی فضایی برای هر خان (فرم، رنگ، متریال و نور)

نتایج پرسش‌نامه، انتخاب‌های مسلط متخصصان برای هر خان را به وضوح مشخص کرده است.

الف) خان اول (شیر): تأکید بر نیروی طبیعت

پارامتر	گزینه‌ی غالب	درصد آرا (از ۲۵)	اولویت طراحی
فرم	ارگانیک و نامنظم (۱۱ رأی)	۴۴٪	نمایش قدرت طبیعت و آغاز سفر.
رنگ	قرمز روشن و زرد درخشان (۱۲ رأی)	۴۸٪	ایجاد حس هیجان، قدرت و تقابل مستقیم با شیر.

ب) خان دوم (ساحره/دیو سفید): القای بیابان و سختی

پارامتر	گزینه‌ی غالب	درصد آرا (از ۲۵)	اولویت طراحی
فضای القایی	فضاهای باز و وسیع (۱۱ رأی)	۴۴٪	انتقال حس تشنگی، انزوا و گستردگی بیابان.
مصالح	بتن اکسپوز و سیمان (۱۲ رأی)	۴۸٪	تأکید بر خشکی، سختی و سختی شرایط محیطی.

ج) خان سوم (اژدها): ترس، فانتزی و درام

پارامتر	گزینه‌ی غالب	درصد آرا (از ۲۵)	اولویت طراحی
فرم نمادین	مارپیچ و پیچیده (۱۱ رأی)	۴۴٪	بهترین راه برای نمادسازی فرم اژدها و نبرد فانتزی.
نورپردازی	نقطه‌ای و متمرکز (۱۲ رأی)	۴۸٪	ایجاد سایه‌های دراماتیک برای القای حس ترس.

د) خان چهارم (جادوگر): فریب و عدم تعادل

پارامتر	گزینه‌ی غالب	درصد آرا (از ۲۵)	اولویت طراحی
فرم معماری	متناقض و غیرمنتظره (۱۲ رأی)	۴۸٪	نمایش فریب از طریق شکستن انتظارات فضایی.
رنگ	مکمل و متضاد (۱۲ رأی)	۴۸٪	ایجاد حس عدم تعادل و توهم بصری.

ه) خان پنجم (نبرد جمعی): نظامی‌گری و استحکام

پارامتر	گزینه‌ی غالب	درصد آرا (از ۲۵)	اولویت طراحی
آرایش فضایی	متمرکز با محوریت (۱۱ رأی)	۴۴٪	هدایت چشم بازدیدکننده به نقطه درگیری مرکزی (نبرد جمعی).
مصالح	سنگ سخت (۱۱ رأی)	۴۴٪	انتقال حس استحکام نظامی و مقاومت ساختاری.

و) خان ششم (اوج نبرد): عظمت و خباثت

پارامتر	گزینه‌ی غالب	درصد آرا (از ۲۵)	اولویت طراحی
ارتفاع سقف	بلند و عمودی (۱۱ رأی)	۴۴٪	ایجاد حس ابهت و عظمت فضای نهایی نبرد فیزیکی.
بافت	زبر و خشن (۱۲ رأی)	۴۸٪	نمایش خباثت و حس ناخوشایند دشمن.

ز) خان هفتم (پیروزی): نور و رهایی

پارامتر	گزینه‌ی غالب	درصد آرا (از ۲۵)	اولویت طراحی
فرم پیروزی	گشوده و روشن (۱۱ رأی)	۴۴٪	تأکید بر رهایی از محدودیت و فضای باز پس از نبرد.
رنگ	سفید، طلایی و آبی روشن (۱۱ رأی)	۴۴٪	نمادسازی نور، امید و پاکی پس از تاریکی.
روشنایی	نورگیر مرکزی بزرگ (۱۲ رأی)	۴۸٪	ایجاد حس امید و شفافیت به عنوان نقطه‌ی پایان.

۲. ملاحظات کلی در طراحی توالی فضایی و روایت

متخصصان معماری، اجماع قابل توجهی بر روی شیوه‌های روایت‌گری فضایی داشتند:

انتقال حس چالش (سوال ۱۶): اکثریت (۱۱ رأی) معتقدند که مسیر طولانی با موانع بهترین حس گذر از چالش را منتقل می‌کند. روایت تغییر حالت روانی (سوال ۱۷): تغییر تدریجی شدت و رنگ نور از تاریکی به روشنایی (۱۲ رأی) به عنوان مؤثرترین ابزار برای نمایش تحول روانی رستم شناخته شد. روایت‌گری نامرئی (سوال ۲۲): بهترین روش ادغام روایت، استفاده از توالی فضایی، نور و سایه و جزئیات نمادین (۱۲ رأی) عنوان گردید، که بر رویکرد معماری غیرمستقیم تأکید دارد.

۳. ملاحظات حسی، فرهنگی و نمادین

این بخش به جنبه‌های بالاتر در طراحی، شامل صدا، پایداری و هویت می‌پردازد:

عنصر صوتی (سوال ۱۸): برای القای حس تنهایی در بیابان، سکوت مطلق (۱۲ رأی) به عنوان قوی‌ترین ابزار صوتی انتخاب شد. هویت ایرانی (سوال ۲۱): برای حفظ هویت، استفاده از الگوهای سنتی ایرانی (اسلیمی، ختایی) با ۱۱ رأی، بر رویکردهای مدرن اولویت دارد. نمادگرایی همه‌فهم (سوال ۲۵): برای بیان جهانی قهرمانی، متخصصان تمایل دارند از فرم‌های جهانی و مفاهیم مشترک (ارتفاع، نور، حرکت) استفاده شود (۱۱ رأی)، نه صرفاً نمادهای خاص ایرانی. متخصصان معماری در پی ایجاد تجربه‌ای فضایی هستند که از لحاظ حسی و فرمی، هم با کارکرد نمادین هر خان همخوانی داشته باشد (مانند استفاده از بتن برای خان دوم یا فرم مارپیچ برای خان سوم) و هم با اصول کلی روایت‌گری معماری (توالی، نور متغیر و سکوت).

یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه متخصصان معماری

نتایج حاصل از پرسش‌نامه توزیع‌شده میان ۲۵ متخصص معماری، مبانی تحلیلی و استراتژی‌های طراحی برای بازنمایی هفت‌خوان رستم در مقیاس معماری را مشخص می‌نماید. این یافته‌ها بر سه محور اصلی متمرکز بودند: الف) طراحی ویژه هر خوان (فرم، متریال و حس غالب)، ب) اصول روایت‌گری فضایی و ج) ملاحظات فرهنگی و نمادین.

الف) استراتژی‌های طراحی بر اساس هفت خوان

داده‌های کمی به دست آمده از متخصصان، جهت‌گیری‌های قاطعی را برای طراحی هر مرحله از سفر قهرمان نشان می‌دهد. در تمامی موارد، گزینه‌های منتخب با رأی قاطع (حداقل ۱۱ از ۲۵ رأی) تعیین شده‌اند که اعتبار تحلیلی بالایی به نتایج می‌بخشد.

خان	محور طراحی	گزینه‌ی منتخب (بر اساس آرا)	دلالت طراحی
۱ (شیر)	فرم و رنگ آغازین	فرم ارگانیک و نامنظم (۱۱ رأی) + رنگ قرمز/زرد (۱۲ رأی)	تأکید بر چالش طبیعت اولیه با فرم‌های سیال و انرژی رنگی بالا.
۲ (بیابان)	فضا و مصالح سختی	فضاهای باز و وسیع (۱۱ رأی) + بتن اکسپوز (۱۲ رأی)	القای انزوا و طاقت‌فرسایی از طریق مقیاس گسترده و مصالح خام.
۳ (اژدها)	فرم و نور ترس	فرم مارییج و پیچیده (۱۱ رأی) + نور نقطه‌ای/دراماتیک (۱۲ رأی)	ایجاد حس تعلیق و هیولایی با استفاده از پیچیدگی فرم و کنتراست نوری.
۴ (فریب)	فرم و رنگ تضاد	فرم متناقض/غیرمنتظره (۱۲ رأی) + رنگ مکمل/متضاد (۱۲ رأی)	بازنمایی ماهیت دوگانه و گمراه‌کننده از طریق تضاد بصری.
۵ (نبرد جمعی)	فضا و استحکام	آرایش متمرکز با محوریت (۱۱ رأی) + سنگ سخت (۱۱ رأی)	تمرکز بر انسجام گروهی و پایداری نظامی از طریق چیدمان و مصالح مستحکم.
۶ (اوج نبرد)	ارتفاع و بافت	سقف بلند و عمودی (۱۱ رأی) + بافت زبر و خشن (۱۲ رأی)	بیان عظمت نبرد و خباثت دشمن از طریق عمودی‌گرایی و سطوح تحریک‌کننده.
۷ (پیروزی)	فرم و نور نهایی	فرم گشوده و روشن (۱۱ رأی) + نورگیر مرکزی بزرگ (۱۲ رأی) + رنگ سفید/طلایی (۱۱ رأی)	تجلی رهایی، امید و روشنایی با استفاده از فضاهای باز و منابع نوری متمرکز.

ب) اصول روایت‌گری فضایی و گذار حسی

متخصصان بر این باورند که توالی فضایی باید به صورت یکپارچه و از طریق عناصر معماری کنترل‌شده، تجربه سفر قهرمان را بازسازی کند:

توالی و تحول: برای القای حس گذر از چالش‌ها، مسیر طولانی با موانع (۱۱ رأی) به عنوان ساختار اصلی روایت فضایی انتخاب شد. این امر باید با تغییر تدریجی شدت و رنگ نور (۱۲ رأی) همراه باشد تا تحول روانی قهرمان در فضا منعکس شود. القای حالات روحی: برای ایجاد حس انزوا در خوان بیابان، سکوت مطلق (۱۲ رأی) مؤثرترین راهکار حسی در نظر گرفته شد. در مقابل، برای نمایش نماد رستاخیز و احیا، باغ‌های سرسبز و آب (۱۱ رأی) به عنوان نقطه مقابل سختی‌ها پیشنهاد گردید. (ج) ملاحظات فرهنگی و نمادین

یافته‌ها در این بخش، تعادل میان مفاهیم جهانی و هویت بومی را نشان می‌دهد: حفظ هویت ملی: برای تحقق هویت ایرانی در طراحی، تأکید بر به‌کارگیری نقوش سنتی ایرانی (اسلیمی، ختایی) (۱۱ رأی) اولویت اصلی است. همه‌فهم بودن نمادها: برای اطمینان از بیان جهانی مفهوم قهرمانی، توصیه بر استفاده از فرم‌های جهانی و مفاهیم مشترک (مانند ارتفاع، نور و حرکت) (۱۱ رأی) شد. ادغام روایت نامرئی: بالاترین رأی به این روش تعلق گرفت که روایت باید به شیوه‌ای ظریف از طریق توالی فضایی، نور و سایه، و جزئیات نمادین (۱۲ رأی) در ساختار معماری ادغام شود. تحلیل نظرات متخصصان معماری نشان می‌دهد که طراحی مبتنی بر هفت‌خوان رستم نیازمند یک رویکرد چندوجهی است؛ در حالی که کنترل شدید بر کنتراست‌های فضایی (نور/سایه، زبر/اصاف، باز/بسته) برای هر خوان الزامی است، باید در کل توالی، اصول روایت‌گری ظریف (توالی نوری و مسیری) به کار گرفته شود و در عین حال، با استفاده از فرم‌های سنتی ایرانی، هویت فرهنگی پروژه تقویت گردد.

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تدوین دستورالعمل‌های طراحی معماری بر اساس الگوی روایی هفت‌خوان رستم، با تکیه بر دانش تخصصی ۲۵ معمار، به انجام رسید. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، نه تنها فرضیات اولیه تحقیق را تأیید کرد، بلکه چارچوبی عملیاتی برای ادغام میراث روایی حماسی در فرآیند طراحی معاصر ارائه می‌دهد. تأیید اهداف و دستاوردهای اصلی: پژوهش با موفقیت به هدف اصلی خود دست یافت: تبدیل عناصر داستانی و کیفی هفت‌خوان به معادل‌های عینی و قابل اجرا در مقیاس معماری. اثبات قابلیت روایت‌گری حسی: یافته‌ها نشان داد که روایت یک داستان پیچیده نظیر هفت‌خوان می‌تواند به صورت نامرئی

و غیرمستقیم از طریق معماری منتقل شود. این امر از طریق توالی دقیق فضایی، استفاده متمایز از نور و سایه، و انتخاب مواد مناسب برای هر خوان محقق می‌گردد. تدوین ماتریس طراحی خوان‌ها: نتایج کمی، چارچوب‌های طراحی مشخصی را برای هر یک از هفت مرحله (از مواجهه با طبیعت در خوان اول تا رهایی در خوان هفتم) مشخص ساخت. این ماتریس، که بر اساس اجماع متخصصان شکل گرفته است، ابزاری کاربردی برای طراحی است که به دنبال بازآفرینی مفهوم «سفر قهرمان» در پروژه‌های خود هستند. جمع‌بندی یافته‌های کلیدی: یافته‌های پژوهش بر چند محور کانونی استوار است: اهمیت کنتراست در تعریف فضا: موفقیت در طراحی هر خوان در گرو ایجاد تضاد شدید حسی است. برای مثال، خوان سوم (اژدها) نیازمند پیچیدگی فرم و نورپردازی دراماتیک است، درحالی که خوان هفتم (پیروزی) بر وضوح فرمی و روشنایی فراگیر تأکید دارد. نقش تحول روانی در توالی فضایی: بزرگ‌ترین چالش، بازنمایی تحول درونی قهرمان است که متخصصان آن را عمدتاً از طریق تغییرات تدریجی پارامترهای محیطی، به‌ویژه شدت و رنگ نور در یک مسیر طولانی، قابل دستیابی دانستند. تعادل میان هویت و جهان‌شمولی: در نهایت، تأکید بر الگوها و نقوش سنتی ایرانی برای حفظ اصالت فرهنگی، باید با به‌کارگیری مفاهیم جهانی مانند مقیاس عمودی، شفافیت و پایداری مصالح بومی صورت گیرد تا طراحی هم ریشه در فرهنگ داشته باشد و هم قابلیت درک جهانی را حفظ کند. محدودیت‌ها و پیشنهادها برای تحقیقات آتی: علی‌رغم دستیابی به نتایج عملیاتی، پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی است. یافته‌ها عمدتاً بر درک نظری متخصصان متمرکز است و نیاز به تأیید تجربی از طریق اجرای نمونه موردی دارد. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی بر موارد زیر متمرکز شوند: سنجش ادراک عمومی: اجرای آزمایش‌هایی بر روی کاربران نهایی برای سنجش میزان موفقیت طرح‌های پیشنهادی در انتقال مفاهیم «ترس»، «فريب» یا «رهای» به افرادی که با داستان هفت‌خوان آشنایی کمتری دارند. توسعه مدل متریک پایداری: بررسی دقیق‌تر ارتباط میان پایداری زیست‌محیطی و متریک‌های انتخابی (مانند بتن اکسپوز در خوان دوم) برای انطباق مفاهیم اسطوره‌ای با الزامات معماری سبز معاصر. در کلام آخر، این تحقیق نشان می‌دهد که اسطوره‌های کلاسیک ایرانی، با بازتفسیر دقیق و انتقال هدفمند به زبان معماری، پتانسیل عظیمی برای خلق فضاهایی عمیق، معنادار و الهام‌بخش در جهان مدرن دارند.

منابع

- اکبری، ندا. (۱۳۹۴). اکسپو، جهان در پوست معماری، انتشارات کتابکده کسری. ص ۳۲
- بانی مسعود، امیر. (۱۴۰۰). ایران و نمایشگاه‌های جهانی: از غرفه ی ۱۸۶۷ پاریس تا پاریون ۲۰۲۰ دبی، انتشارات کتابکده کسری. ص ۱، ۱۵۶
- زارع زاده، فهیمه. (۱۳۹۹). هنر، دولت و نمایشگاه جهانی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. ص ۱۹۱
- عباسی، مریم، عباسی، کاظم، (۱۳۹۷)، اکسپو، مسیری به سوی آینده، انتشارات هرمان. ص ۱۲۲، ۹
- قاسمی سیجانی، مریم، بکایی جزی، مطهره. (۱۳۹۶). بررسی پاریون ایران از گذشته تا اکنون در نمایشگاه‌های جهانی (اکسپو)، دومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی معاصر جهان. ص ۵، ۲
- میرزافرجویان، سید حسین. (۱۳۹۴). اکسپو (نمایشگاه جهانی)، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازگانی، ص ۱۹۱، ۱۶۴، ۲۰۱
- میرزافرجویان، سید حسین. (۱۳۹۴). طراحی و غرفه آرای نمایشگاه‌ها، انتشارات آوای فهیم: تهران ص ۶۸
- صدقیان حکاک، ن. و رستمی، پ. (۱۳۹۹). (بازنمایی هویت گرافیک ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی (اکسپو). پژوهشنامه / اورمزد، (۵۳)، ضمیمه شماره ۲، ۶-۲۳.
- سلطانی آذر، شیوا؛ اخلاصی، احمد. (۱۳۹۷). (تاثیر رویکرد معماری ایرانی بر طراحی غرفه ایران در اکسپو ۲۰۲۰ دبی . کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام . تهران. قابل دسترس در : <https://elmnet.ir/article/20887340-5173/> تاثیر-رویکرد-معماری-ایرانی-بر-طراحی-غرفه-ایران-در-اکسپو-۲۰۲۰ دبی
- رئوفی (۱۳۹۷)، تلفیق سنت و مدرنیته در رویکرد معماری ایرانی-اسلامی در اکسپو ۲۰۲۰ دبی
- درستی، پریا، (۱۴۰۲) الگوی طراحی پاریون ایران با رویکرد توسعه پایدار
- سلطان آذر و اخلاصی (۱۳۹۷) فناوری‌های مدرن در طراحی پاریون.
- شیراوند و ملاصالحی (۱۳۹۷) ترکیب معماری اصیل ایرانی-اسلامی با نوآوری‌های معاصر در تحلیل اکسپو ۲۰۱۵ میلان
- سیجانی (۱۳۹۶)، نوآوری، فناوری و دیپلماسی فرهنگی
- حسینی (۱۳۹۲) مؤلفه‌های فرهنگی و اقلیمی در طراحی، رویکرد بیومیمتیک در طراحی پاریون ایران در اکسپو ۲۰۱۵ میلان
- جهرمی (۱۳۹۲) نقش مؤلفه‌های فرهنگ، سنت و هویت را در طراحی پاریون ایران در اکسپو ۲۰۱۵ میلان
- زارع‌زاده و رهبرنیا (۱۳۹۴) جنبه‌های تاریخی و سیاسی در بررسی اکسپو ۱۸۵۱ لندن

۱۸) طاهرپور، کلاتتری و میرظفرجویان (۱۳۸۷)، عوامل موفقیت در نمایشگاه‌ها
۱۹) سبحانی و اسلامی (۱۳۹۲)، تأثیر نمایشگاه‌ها بر معماری

- 20) Hillier, B. (1996). *Space is the machine: A configurational theory of architecture*. Cambridge University Press.
- 21) Bachelard, G. (1994). *The poetics of space**. Beacon Press.
- 22) Zumthor, P. (2006). *Atmospheres: Architectural environments, surrounding objects*. Birkhäuser
- 23) Eliade, M. (1959). *The sacred and the profane: The nature of religion*. Harcourt, Brace & World.
- 24) Leatherbarrow, D. (2000). *Uncommon ground: Architecture, technology, and topography*. MIT Press.
- 25) Augé, M. (1995). *Non-places: Introduction to an anthropology of supermodernity*. Verso.
- 26) Mallgrave, H. F. (2009). *The architect's brain: Neuroscience, creativity, and architecture*. John Wiley & Sons
- 27) Pérez-Gómez, A., & Pelletier, L. (1997). *Architectural representation and the perspective hinge**. MIT Press.
- 29) Csikszentmihalyi, M., & Rochberg-Halton, E. (1981). *The meaning of things: Domestic symbols and the self*. Cambridge University Press.